

The Desirable Basis of Civil Liability from the Economic Analysis of Law Viewpoint (Looking at Market Rights)

Fezzeh Salimi *

Assistant Professor, Law Department, Faculty of Humanities, University of Bojnord, Bojnord, Iran

Mohammad Bagher Parsapour

Associate Professor of the Private Law, Faculty of Law, University of Tarbiat Modares

Abstract

One of the most important topics in the economic analysis of law is civil liability and the basis of civil liability is the most fundamental issue in analyzing the content of civil liability rules and the way that the legal system views these rules. There are two types of approaches to the economic analysis of Basis of Civil Liability; economic analysis of traditional Foundations and tendency to the new basis. Conventional foundations are fault-based liability theory and fault-free liability theory that in the legal literature, these are called fault theory and risk theory. In the general rules among traditional theories, by changing their lawsuits and their level of caution, either fault or strict liability can be effective. Market rights have generally accepted strict liability and the theory of market security. In the market rights, new foundations have been introduced because of inefficiencies of traditional foundations, and because of their social capability, they are becoming more prominent in the legal literature of the world. The consequentialist bases are deterrence and distributive justice. This research is an analytical descriptive study using library data on two topics.

Keywords: Economic Efficiency, Fault, Strict liability, Market Security, Deterrence, Distributive Justice.

* Corresponding Author: Fe.salimi@ub.ac.ir

مبنای مطلوب مسئولیت مدنی از دیدگاه تحلیل اقتصادی حقوق (با نگاهی به حقوق بازار)

فضه سلیمی*

استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بجنورد، کشور ایران

محمد باقر پارساپور

دانشیار گروه حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

چکیده

از مباحث مهم در تحلیل اقتصادی حقوق، مسئولیت مدنی است و مبنای مسئولیت مدنی، بنیادی‌ترین موضوع در تحلیل محتوای قواعد ضمان قهری است. تحلیل اقتصادی مبنای مسئولیت مدنی شامل دو نوع رویکرد است: تحلیل اقتصادی مبنای سنتی و گرایش به مبنای جدید. در میان نظریات سنتی در قواعد عام، با تغییر در اطراف دعوی و سطح احتیاط آن‌ها، بسته به موضوع، هر کدام از مبنای تقصیر یا مسئولیت محض می‌تواند کارا باشد. در قواعد بازار، عموماً مسئولیت محض و نظریه امنیت بازاری، مورد پذیرش قرار گرفته است. مبنای جدید، به سبب عدم کارایی مبنای سنتی در قواعد بازار، مطرح گردیده‌اند و به جهت قابلیت اجتماعی آن‌ها، روزه‌روز در ادبیات حقوقی جهان پررنگ‌تر می‌شوند. مبنای پیامدگرا، بازدارندگی و عدالت توزیعی است. با مطرح شدن این مبنای و رنگ باختن مبنای کلاسیک، در برخی نظام‌های حقوقی به دلیل اهمیت قواعد بازار، در قواعد رقابتی، عدالت توزیعی و در مسئولیت ناشی از تولید، بازدارندگی مطلوب تلقی شده است و تحلیل‌ها از مبنای سنتی فاصله گرفته‌اند. این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای در دو مبحث به تبیین موضوع پژوهش پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: امنیت بازاری، بازدارندگی، تقصیر، عدالت توزیعی، کارایی اقتصادی، مسئولیت محض.

مقدمه

جدی‌ترین موضوع در میان مباحث مسئولیت مدنی مبنای آن است. بر اساس مبنای مورد پذیرش، فردی که باید جبران خسارت کند، معین می‌شود و بار اثبات امر نیز بر اساس مبنای مسئولیت تعیین می‌گردد. در اواخر دهه ۱۹۵۰ میلادی، عده‌ای از حقوق‌دانان و اقتصاددانان دانشگاه شیکاگو اصول اقتصاد خرد^۱ مکتب نئوکلاسیک و روش فردگرایانه‌ی آن را به حقوق و رفتارهای غیربازاری انسان تسری دادند و با گسترش سریع این نگرش در میان نظام‌های حقوقی مختلف، جمعی از حقوق‌دانان^۲ آن را مهم‌ترین تحول دانش‌پژوهی حقوقی در قرن بیستم قلمداد کردند. نگرش اقتصادی به حقوق در رشته‌ها و موضوعات مختلفی مانند حقوق جزا، قراردادهای و حقوق اموال وارد شده است، اما موضوعات مسئولیت مدنی از این رویکرد بیش‌ترین بهره را برده‌اند و مطالعات گسترده‌ای در این حوزه در ادبیات حقوقی خارجی، انجام شده است. در رویکردهای سابق، مبنای مسئولیت عموماً مبتنی بر تقصیر بوده و در مواردی مسئولیت محض نیز به‌عنوان اثر مسئولیت بدون تقصیر، مورد توجه قرار می‌گرفته است. با صنعتی شدن جوامع، پیشرفت‌های حاصله در حوزه فناوری و افزایش حوادث ناشی از آن، نظام‌های حقوقی از مبانی کلاسیک استقبال کمتری نموده و بر اساس نیازهای زمان به نظریات دیگر روی آوردند. گاه حوادثی رخ می‌داد که در وقوع آن، کسی مرتکب تقصیر نشده و منشأ ایجاد ضرر نقص فنی غیرقابل پیش‌بینی بود و یا در صورت وجود مقصر، اثبات تقصیر مشکل یا غیرممکن می‌نمود. بر اساس نظریه تقصیر، این قبیل خسارات غیرقابل جبران تلقی می‌شد؛ این امر موجب شد نظریه خطر یا به عرصه وجود بگذارد.^۳ پذیرش این مسئولیت به‌عنوان مبنا با مبانی اخلاقی و ملاحظات اقتصادی توجیه‌پذیر بوده و

1. Microeconomics

2. Bruce A. Ackerman, *Private Property and the Constitution*, Yale University Press, (1977), p 52.

۳. حسینی‌نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، تهران: انتشارات مجد، (۱۳۸۷)، ص ۲۲.

در تحلیل‌های سابق اقتصادی حقوق، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین راه‌های درونی کردن هزینه‌های خارجی^۱ مطرح گردید.^۲

پس از توسعه نگرش تحلیل اقتصادی حقوق، این نتیجه حاصل گردید که مبانی مرسوم پاسخگوی نیازهای حقوقی اجتماع نیست؛ بنابراین دو نظریه‌ی بازدارندگی و عدالت توزیعی مطرح گردید. این دو مفهوم را نباید تنها به‌عنوان اهداف مسئولیت مدنی تلقی کرد، بلکه مبانی پیامدگرایی هستند که قانون‌گذار با پذیرش هر کدام از آن‌ها می‌تواند رویکرد قاعده‌گذاری خود را تعیین و بر اساس آن، بار اثبات را بر عهده‌ی زیان‌دیده یا زیان‌زننده بگذارد.

در این پژوهش به دنبال پاسخگویی به این سؤال اصلی هستیم که از نظرگاه حقوق اقتصادی، مبنای مطلوب برای ضمان قهری در حقوق بازار کدام‌اند و پیرو این پرسش، به پرسش‌های دیگری نیز پاسخ داده خواهد شد که آیا مبنای تقصیر می‌تواند پاسخگوی نیازهای مصرف‌کننده و بنگاه اقتصادی خرد در انواع جدید از حوادث و اعمال باشد؟ در حقوق بازار کدام‌یک از مبانی موجود می‌تواند کاراترین عملکرد را داشته باشد؟

برای پاسخگویی به این سؤالات پژوهش به دو بخش اصلی تقسیم شده است؛ در بخش اول، به بررسی نظریات مطلوب بر مبنای نگرش تحلیل اقتصادی حقوق در میان نظریات کلاسیک پرداخته شده است و نظریات مرسوم در حوادث یک‌جانبه و دو‌جانبه با لحاظ میزان ریسک‌پذیری زیان‌دیده و زیان‌زننده در قواعد عام برای شناسایی تأثیر آن در قواعد بازاری تحلیل شده است و در نتیجه، نظریه‌ی مطلوب در قواعد مصرفی و رقابتی تبیین گردیده است. نظریات پیامدگرا (جدید) که برای تحلیل صحیح قواعد بازاری و قواعد مشابه آن مطرح گردیده‌اند، در بخش دوم مورد بحث قرار گرفته‌اند.

۱. Internalize externalities: هنگامی کارایی اقتصادی محقق می‌شود که بنگاهی که فعالیت او برای دیگران

هزینه‌ی خارجی (خسارت) در بردارد، وادار شود که این هزینه را جزء هزینه‌های نهایی خصوصی تولید محصول خود محسوب کند. در اصطلاح اقتصادی به چنین سیاستی، «درونی کردن هزینه‌های خارجی یا اجتماعی» می‌گویند.

۲. بادینی، حسن و دیگران، «مسئولیت محض، مبانی و مصادیق»، مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دوره ۳، شماره ۱، (۱۳۹۱)، ص ۲۲.

۱. مبنای مطلوب در نظریات کلاسیک

۱-۱. مبنای مطلوب در قواعد عام

در نظریه تقصیر، مسئولیت مدنی مبتنی بر تقصیر اعم از عمدی و غیرعمدی است؛ کسی را می‌توان مسئول شناخت که مرتکب تقصیر شده است و اثبات آن اصولاً بر عهده‌ی زیان دیده است. با گذشت زمان، تقصیر شخصی جای خود را به تقصیر نوعی داد تا رفتار شخص صرف نظر از ویژگی‌های شخصی عامل زیان، ارزیابی شود.

نظریه خطر حکایت از این امر دارد که هرکس به فعالیتی پردازد، محیط خطرناکی را برای دیگران به وجود آورد و از آن منتفع شود، باید زیان‌های ناشی از فعالیت خود را جبران نماید. مسئولیت محض به عنوان اثر مسئولیت بدون تقصیر تبیین می‌شود. مطابق این مبنا احراز فعل ناروا و انتساب آن به مسئول ملاک نیست؛ بلکه نتیجه‌ی ناگوار و مضر برای ایجاد مسئولیت کافی است.^۱ تفاوت مسئولیت محض با نظریه‌های مرسوم مسئولیت مدنی در آن است که بی‌مبالاتی به جای شخص به سازمان پیچیده‌ی تولید نسبت داده می‌شود که تقصیر را به فرد یا گروه خاصی نسبت داده و مسئولیت جمعی و سازمانی، جانشین مسئولیت اخلاقی و فردی می‌گردد.^۲

قواعد مسئولیت مدنی در جهت کاهش هزینه اجتماعی بر جامعه سعی در ایجاد انگیزه برای کاهش هزینه‌های حادثه دارند؛ از سوی دیگر یکی از عوامل مؤثر بر هزینه اجتماعی، هزینه‌ای است که صرف احتیاط می‌شود؛ بر همین اساس احتیاط بیش از اندازه همان اندازه موجب افزایش هزینه‌های اجتماعی می‌شود که عدم رعایت احتیاط، آن را افزایش می‌دهد. برای تحلیل صحیح موضوع این بند، برخی اصطلاحات مانند مفهوم تقصیر اقتصادی، انسان معقول، ریسک خنثی (ریسک پذیری) و ریسک‌گریزی و همچنین حوادث یک‌جانبه (یک طرفه) و دوجانبه (دوطرفه) ذیلاً بازشناسی می‌شود.

اساساً مقنن زیان دیده را زمانی مقصر تلقی می‌نماید که وی با اعمال غیرعقلایی، دیگران را متضرر نماید. این امر خود حاصل عدم اعمال تدابیر و احتیاط‌هایی است که

۱. کاتوزیان، ناصر، «حمایت از زیان دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

شماره ۶۸، (۱۳۸۴)، ص ۱۸۶.

2. Komninos A.P, *EC private antitrust enforcement*, Hart Publishing, Oxford/Portland, (2008), p. 59-65.

انسانی معقول در شرایط نوعی وقوع آن حادثه به کار می‌بندد تا از بروز خسارت پیشگیری نماید. از منظر اقتصادی، احتیاط هنگامی معقول است که منطقی باشد، احتیاط هنگامی منطقی است که از نظر اقتصادی مقرون به صرفه باشد و احتیاط هنگامی مقرون به صرفه است که هزینه‌های به کار بستن آن از میزان خسارت احتمالی که در صورت بی احتیاطی بروز خواهد کرد، افزون نباشد.^۱ از منظر نگرش اقتصادی به حقوق، انسان معقول شخصی است که آن دسته از اقدامات احتیاطی را که از نظر هزینه قابل توجیه است، در پیش گیرد.^۲ در نگرش اقتصادی به مفهوم تقصیر نیز منطق اقتصادی معیار تمیز اعمال صواب از ناصواب است. اگر عامل ورود زیان قادر باشد با بهره‌گیری از اصول احتیاطی، مانع از ایراد خسارت به متضرر شود، عدم توانایی او در رعایت این اصول، غیر منطقی و در نتیجه تقصیر خواهد بود، مشروط بر اینکه هزینه اقدامات احتیاطی بیش از ضرر وارده نباشد. به همین ترتیب اگر زیان‌زننده تنها با استفاده از اقدامات احتیاطی که هزینه آن‌ها بیش از خسارت احتمالی است بتواند از ایراد ضرر جلوگیری نماید، عدم به کارگیری تدابیر احتیاطی از جانب او بر منطق اقتصادی منطبق بوده و تقصیر قلمداد نخواهد شد.^۳ در تحلیل اقتصادی مسئولیت مدنی، برای مبنای تقصیر از معیار «انسان معقول» بهره برده‌اند و در آن سطحی از احتیاط معقول است که هزینه‌های اجتماعی را به حداقل ممکن می‌رساند. این قاعده در هر دو گروه حوادث کارایی دارد.^۴

ریسک خنثی^۵ زمانی است که طرفین نسبت به ریسک بی تفاوت هستند؛ چنین افرادی تنها به ارزش مورد انتظار یک گزینه اهمیت می‌دهند. ارزش مورد انتظار یک گزینه پرمخاطره، شدت مطلق آن خطر است که در صورت وقوع، در احتمال وقوع آن در آینده ضرب می‌شود.

۱. شهابی، مهدی و همکاران، «تحلیل اقتصادی حقوق و احیای اندیشه تقصیر در جبران خسارت با تأکید بر رویه قضایی آمریکا»، دوفصلنامه دانش حقوق اقتصادی، شماره ۴ (۱۳۹۱)، ص ۱۳۴.

۲. بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۸۴)، ص ۲۳.

3. Keating, Gregory C, "Reasonableness and rationality in negligence theory", Stanford Law Review, 48, (1995-1996), p 311.

۴. بادینی حسن و دیگران، «قلمرو اقتصادی قاعده تقصیر و بررسی کارایی آن در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲۶، شماره ۱ (۱۳۹۵)، ص ۳۷.

5. Risk Neutral

در مقابل افراد ریسک‌گریز^۱ نه تنها به ارزش مورد انتظار اهمیت می‌دهند، بلکه شدت مطلق خطر را نیز در نظر می‌گیرند. برای مثال در نظر بگیریید که به فردی یا ۵۰ درصد از بخت برنده شدن ۱۰۰۰ دلار ارائه می‌شود یا تضمین برد قطعی ۵۰۰ دلار. هر دو پیشنهاد به لحاظ ارزش مورد انتظار که ۵۰۰ دلار است، برابرند. اگر فرد مذکور نسبت به ریسک خنثی باشد، هر دو گزینه برای او یکسان خواهد بود؛ اما اگر ریسک‌گریز باشد، مسلماً ۵۰۰ دلار قطعی را ترجیح می‌دهد.

حوادث یک‌جانبه^۲ حوادثی است که زیان‌دیده نمی‌تواند در جلوگیری از وقوع حادثه نقشی ایفا کند و زیان‌زننده است که با اتخاذ اقدامات پیشگیرانه می‌تواند از وقوع آن جلوگیری یا از شدت آن بکاهد. در این حوادث تنها پیش‌بینی آسیب‌رسانندگان بر حادثه اثر دارد و رفتار زیان‌دیده اثری ندارد. در حوادث دو‌جانبه^۳ امکان اتخاذ تدابیر پیشگیرانه که از وقوع حادثه جلوگیری نموده یا تأثیرات آن را کاهش دهد، برای هر دو طرف حادثه وجود دارد.^۴

در فرض نوشتار حاضر صرفاً یک عامل زیان و زیان‌دیده وجود دارد. آنان در صدد حداکثر کردن سود خود هستند، بسته به مورد نسبت به خطر بی‌تفاوت‌اند یا ریسک‌پذیرند و فقط عامل زیان است که سبب تضرر زیان‌دیده می‌گردد.

۱-۱-۱. در فرض حوادث یک‌جانبه

در صورت یک‌جانبه بودن حادثه، عامل زیان می‌تواند از وقوع حادثه جلوگیری نموده یا از شدت آن بکاهد، هرچند ممکن است وی چنین اقدامی صورت ندهد؛ زیرا رعایت احتیاط مستلزم برخی هزینه‌هاست و به این دلیل ممکن است احتیاط همیشه مطلوب نباشد. وقوع حادثه متضمن هزینه‌هایی است که از آن به ضرر یا هزینه‌های ضرر^۵ تعبیر می‌شود، اما از آنجا که معمولاً وقوع حادثه و ورود ضرر قطعی نبوده و با احتمال همراه است، از ضرر انتظاری^۶ بحث می‌شود که از حاصل ضرب احتمال وقوع حادثه در میزان ضرر،

1. Risk Averse
2. Unilateral Accident
3. Bilateral Accident

۴. همان، ص ۳۷.

5. Cost of harm
6. Expected harm or damage

حاصل می‌گردد. برای تعیین این موضوع که تا چه میزان رعایت احتیاط مطلوبیت دارد، باید به هزینه و سود آن توجه کرد؛ چراکه رعایت هر میزان احتیاط، مستلزم صرف هزینه‌ای است و مقدار کاهشی که در اثر رعایت آن در میزان ضرر انتظاری حاصل می‌شود، سود آن را تشکیل می‌دهد. این سود و زیان، سود و زیان حاشیه‌ای یا نهایی^۱ نامیده می‌شود.^۲ اگر عامل زیان برای جلوگیری از وقوع حادثه، هیچ‌گونه احتیاطی به عمل نیاورد، هزینه اجتماعی در بالاترین سطح قرار دارد؛ زیرا در این صورت گرچه هزینه‌ای صرف احتیاط نمی‌شود، اما میزان ضرر انتظاری در بالاترین سطح قرار دارد.^۳

با پذیرش نظریه تقصیر به عنوان مبنای مسئولیت، عامل زیان فقط هنگامی در برابر زیان دیده مسئول است که مقصر باشد؛ بنابراین در صورت رعایت ضوابط از سوی عامل زیان، مسئولیتی متوجه او نیست و ضرر انتظاری را زیان دیده متحمل می‌شود، مگر اینکه احتیاط قانونی از نظر اجتماعی بهینه باشد و انجام فعالیت از طرف عامل زیان با توجه به هزینه‌های درآمد و هزینه‌های احتیاط به سود زیان‌زننده باشد که در این صورت، مسئولیت انتظاری او، حداقل تا میزان فعالیت خواهد بود و اگر با توجه به هزینه‌های مذکور، فعالیت برایش سودده نباشد، آن را متوقف خواهد کرد.^۴

می‌توان گفت در حوادث یک‌جانبه، اعمال قاعده تقصیر و مسئولیت محض، در خصوص میزان احتیاط عامل زیان و میزان ضرر انتظاری، بهینه است. در مسئولیت محض، زیان‌زننده سطح بهینه احتیاط را انتخاب می‌کند؛ چراکه تهدید مسئولیت او را به درونی نمودن کامل خسارت انتظاری زیان‌دیده وادار می‌کند؛ به همین دلیل هزینه‌های زیان‌زننده در این حالت با هزینه‌های اجتماعی منطبق است. همین‌طور با قاعده تقصیر، زیان‌زننده سطح بهینه احتیاط را اعمال می‌کند. در صورتی که سطح احتیاط مقتضی با سطح بهینه

1. Marginal benefit

2. Cooter & Ulen, 2003, p 301.

۳. طهماسبی، علی، «اثر تقصیر و مسئولیت محض در ترغیب عامل زیان و زیان‌دیده به رعایت احتیاط»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، شماره ۷۴، (۱۳۹۰)، ص ۱۴۰.

۴. همان، ص ۱۴۲-۱۳۲.

اجتماعی برابر باشد، زیان زنده به اتخاذ سطح احتیاطی که به نتیجه مطلوب اجتماعی منتهی می‌شود، رهنمون می‌گردد.^۱

۱-۱-۲. در فرض ریسک‌پذیری در حوادث دوجانبه

در حوادث دوطرفه انجام اقدامات احتیاطی از سوی هر دو طرف، برای جلوگیری از وقوع زیان ضروری است؛ لذا اقدامات احتیاطی زمانی بهینه است که هر دو طرف آن‌ها را به کار گیرند. در حوادث دوطرفه اعمال قواعد مسئولیت محض کارآمد نیست؛ زیرا با وجود الزام همیشگی عامل زیان به جبران خسارت، زیان‌دیده انگیزه‌ای برای اتخاذ اقدام پیشگیرانه نخواهد داشت و زیان‌زنده به اقدام پیشگیرانه مبادرت می‌نماید. در این صورت گرچه هزینه مورد انتظار کاهش می‌یابد، اما با توجه به سطح هزینه‌های حاشیه‌ای، هزینه اجتماعی بالا خواهد بود.

اگر دادگاه‌ها سطح احتیاط مقتضی را برابر با سطح مطلوب اجتماعی تعیین نمایند، قواعد تقصیر و مسئولیت محض با دفاع مشارکت در تقصیر^۲ - زیان‌زنده مسئول جبران خسارت وارده به زیان‌دیده است، مگر آنکه ثابت نماید زیان‌دیده اقدام پیشگیرانه (احتیاط) مناسب را اتخاذ نکرده است - به نتیجه مطلوب اجتماعی و تحقق اهداف مسئولیت مدنی می‌انجامد. بر اساس این قواعد، عامل زیان و زیان‌دیده به جهت عدم تحمل زیان با کاهش میزان آن، انگیزه لازم برای اعمال احتیاط مطلوب را خواهند داشت و قاعده نیز باعث تعادل کارآمد خواهد شد.^۳

۱-۱-۳. در فرض ریسک‌گریزی در حوادث یک‌جانبه و دوجانبه

در مسئله حوادث هدف اولیه کاهش مناسب ریسک است و هدف ثانویه، اختصاص و گسترش ریسک خسارات؛ بیمه - بیمه حوادث برای زیان‌دیده و بیمه مسئولیت برای زیان‌زنده - روشی برای اختصاص و انتشار ریسک خسارات است. از طرفی مسئله بیمه در

۱. دادگر، یدالله و همکاران، «تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و بررسی کارایی آن در نظام حقوقی ایران»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۷۸ (۱۳۹۴)، ص ۴۵-۴۳.

2. Strict liability with the defense of contributory negligence

۳. خودکار، رضا و همکاران، «تحلیل اقتصادی مبانی مسئولیت مدنی در حوادث دوجانبه»، فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، مقاله ۴، دوره ۱، شماره ۲ (۱۳۹۱)، ص ۱۲۰-۱۲۵.

افراد ریسک‌گریز در تحلیل اقتصادی موضوع اهمیت دارد. حال این سؤال مطرح است در صورتی که مشوق‌های مرتبط با مسئولیت برای کاهش ریسک مداخله نماید، چگونه و در چه شرایطی بیمه مسئولیت از لحاظ اجتماعی مطلوب است؟

۱-۱-۳-۱. فقدان نظام مسئولیت و بیمه در حوادث

در صورتی که نظام مسئولیت و بیمه وجود نداشته باشد زیان‌زننده، مسئولیتی برای جبران خسارت ندارد و در نتیجه کاهش مناسب ریسک را از سوی او نخواهیم داشت. در این وضعیت، عوامل به دلیل عدم توجه ریسک به آن‌ها متمایل به شرکت در فعالیت‌های پرمخاطره خواهند بود و انگیزه‌ای برای مراقبت ندارند. از طرفی زیان‌دیدگان نمی‌توانند علیه زیان‌زننده طرح دعوی نمایند و از این طریق متحمل ریسک خواهند بود. تحمل ریسک در صورتی از لحاظ اجتماعی نامطلوب است که زیان‌زننده ریسک‌گریز باشد. این پیامد به این دلیل که ریسک توسط زیان‌زننده کاهش نمی‌یابد و ممکن است متوجه طرفین ریسک‌گریز بدون بیمه شود، نامطلوب است.

در فرضی که زیان‌زننده مسئول است و بیمه‌ای وجود ندارد، پیامد این خواهد بود که زیان‌زننده به دلیل اثر مسئولیت، ریسک را کاهش می‌دهد، اما موضوع به این امر بستگی دارد که آیا مسئولیت بر مبنای قاعده تقصیر و یا مسئولیت محض خواهد بود.

زیان‌زننده با مسئولیت محض، برای کاهش خطر حادثه انگیزه خواهد داشت و احتیاط لازم را به کار می‌بندد. اگر زیان‌زننده نسبت به ریسک بی‌تفاوت (ریسک خنثی) باشد، متحمل خطر حادثه خواهد شد و پیامد آن از لحاظ اجتماعی ایدئال خواهد بود؛ اما اگر زیان‌زننده با مسئولیت محض، ریسک‌گریز باشد، پیامد از لحاظ اجتماعی مطلوب نیست؛ چراکه زیان‌زننده متحمل ریسک می‌شود و نتیجتاً مراقبت‌های شدیدی برای اجتناب از مسئولیت انجام می‌دهد و با این شرایط، از مشارکت در فعالیت اجتناب می‌کند. پس اگر عامل زیان در فرض مزبور ریسک‌گریز باشد، درونی‌سازی از لحاظ اجتماعی مطلوب نخواهد بود.

این شرایط بر مبنای قاعده تقصیر کاملاً متفاوت است؛ عاملان زیان، متحمل ریسک ناشی از مراقبت نخواهند شد [دادگاه سطح مراقبت آن‌ها را ارزیابی می‌کند] و آن‌ها مجبور به اتخاذ مراقبت‌های شدید نشده یا از مشارکت در فعالیت منع نمی‌شوند. با این حال زیان‌دیده در فرضی که زیان‌زننده به اشتباه مقصر محسوب نگردد، متحمل خسارات خواهد

شد. در نتیجه رفاه اجتماعی در صورتی کمتر از سطح بهینه است که زیان دیده ریسک‌گریز بوده و تحت پوشش بیمه نباشند.

۱-۱-۳-۲. وجود نظام مسئولیت و بیمه در حوادث

در صورتی که بیمه در دسترس بوده و با نسبت عادلانه فروخته شود، اگر زیان دیده ریسک‌گریز باشند، پوشش بیمه کامل را -بیمه حوادث- در برابر هر ریسکی که متحمل می‌شود، خریداری می‌کند. اگر زیان‌زننده طبق قاعده تقصیر، مراقبت‌هایی را اتخاذ نماید، به طوری که زیان دیده ریسک حوادث را متحمل شود، در صورتی که زیان دیده ریسک‌گریز باشد، به طور کامل در برابر ریسک‌ها بیمه می‌شود.^۱ شکل دیگری از بیمه، بیمه مسئولیت برای زیان‌زننده است. اگر زیان‌زننده، ریسک‌گریز باشد، به خرید بیمه مسئولیت تمایل خواهد داشت.

در فرضی که مسئولیت محض باشد، زیان‌زننده متحمل ریسک خواهد شد؛ بنابراین زیان‌زندگان ریسک‌گریز مایل به خریداری بیمه مسئولیت بوده و این بیمه از لحاظ اجتماعی مطلوب خواهد بود،^۲ رفاه زیان‌زننده را افزایش می‌دهد، بر رفاه زیان‌دیده تأثیری ندارد و به زیان‌زننده غرامت پرداخت می‌شود؛ بنابراین وجود بیمه مسئولیت باعث افزایش رفاه اجتماعی می‌شود.

بر مبنای قاعده تقصیر، زیان‌زننده مایل به اتخاذ اقدامات احتیاطی مربوطه است و از این رو، زیان‌دیده متحمل ریسک خسارات شده و اگر ریسک‌گریز باشد، بیمه حادثه را خریداری می‌کند. در فرض اعمال قاعده تقصیر زیان‌زننده به جهت هزینه بالا تمایلی به خرید بیمه نخواهد داشت. اگر زیان‌زننده بیمه‌ای را خریداری نماید که به خاطر بی احتیاطی منجر به آسیب، او را تحت پوشش قرار دهد، ممکن است تصمیم به عدم اتخاذ اقدام احتیاطی گیرد و سهل‌انگارانه عمل نماید. در مدل اصلی کارکرد کامل قاعده تقصیر، زیان‌زننده باید اقدام احتیاطی را اتخاذ نماید و سهل‌انگار نباشد تا متحمل ریسک نشود. زیان‌دیده در صورتی که ریسک‌گریز باشد، بیمه حادثه را خریداری می‌نماید. بر این اساس بیمه مسئولیت به جهت صرف هزینه بی دلیل برای زیان‌زننده مطلوب نبوده

1. Shavell, Steven M. "Liability for Accidents" in Handbook of Law and Economics, (Mitchell Polinsky & Steven Shavell eds., Elsevier.) Harvard Law and Economics Discussion Paper No. 530, (2007), p. 150-153.

2. Shavell, Steven M., "On Liability and Insurance," 13 Bell Journal of Economics, (1982), p. 120.

و او ترجیح خواهد داد، به جای خرید بیمه مسئولیت، هزینه‌های مربوط به اقدامات احتیاطی را لحاظ نماید.^۱

۱-۱. مبنای کلاسیک مطلوب در حقوق بازار

مجموعه قواعد مشترک در حقوق مصرف و حقوق رقابت به گونه‌ای است که می‌توان این دو رشته را به حقوق بازار و روابط تجاری مسمی کرد. قواعد حقوق رقابت برای مصرف کنندگان دارای اثر بوده و از طرف دیگر، قواعد حاکم بر مصرف نیز متقابلاً بر مسئله رقابت تأثیر می‌گذارد.

حمایت از مصرف کننده کالا از جمله موضوعاتی است که از دیرباز در نظام‌های حقوقی مورد توجه بوده است. با پیدایش فناوری‌های جدید و پیچیده شدن فرایند تولید، توجه به این مهم، بیش از پیش احساس می‌شود. روش‌های حمایتی پیشگیرانه و جبرانی در این زمینه به کار گرفته شده تا از مصرف کننده به عنوان طرف ضعیف تر رابطه حمایت شود. مسئولیت تولید کننده کالای معیوب و خطرناک، روش حمایتی جبرانی محسوب می‌شود که در مواد ۲ و ۱۸ قانون حمایت از مصرف کنندگان مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۲ و مواد ۱ و ۴ دستورالعمل مسئولیت ناشی از عیب تولید اتحادیه اروپایی مصوب ۱۳۹۵/۵/۲۵ مورد توجه قرار گرفته است.

مبانی مسئولیت مدنی عرضه کنندگان کالاها و خدمات در مقابل مصرف کننده، در جهت حمایت از قشر کم اطلاع در روابط حقوقی در اعصار مختلف به فراخور مقتضیات زمان مورد توجه بوده است. از جمله مبانی مورد پذیرش، دکترین «آگاه باش خریدار» است. بر اساس این نظریه، فروشنده الزامی ندارد تا خریدار را از عیوب و نقایص مبیع آگاه سازد. زمانی که خریدار نسبت به خرید هر گونه کالایی اقدام می‌کند باید خودش را متقاعد سازد کالایی را که می‌خرد از کیفیت مطلوب برخوردار است و برای استفاده او مناسب است.^۲

1. Shavell, Steven, *Economic Analysis of Accident Law*, NBER Working Paper No. 9694, Cambridge MA 02138, Available at: <http://www.nber.org/papers/w9694>, Chapter 5, (2003), p. 1-5.

۲. جابری، عصمت الله، حقوق مصرف کننده، اصفهان، نشر دادیار، (۱۳۸۶)، ص ۳۳.

هرچند نظام‌های حقوقی در ابتدا بر مبنای سنتی، یعنی نظریه آگاه باش و نظریه تقصیر پافشاری می‌کردند، چالش‌های جدی حقوقی، موجب شد که نظریه تضمین حق - تولیدکننده تنها در برابر خریدار مستقیم خود کالا را تضمین نمی‌کند، بلکه این تضمین در برابر عموم مصرف‌کنندگان کالا است و کالا برای استفاده مورد نظر باید به شکلی مقبول، متعارف و ایمن باشد - و نظریه مسئولیت مدنی محض مورد توجه قرار بگیرد.

اما نظریات پیش‌گفته نیز راه به جایی نبرده و نتوانستند همه وظایف تولیدکننده را توجیه کنند؛ بنابراین نظریه امنیت بازاری پا به عرصه وجود گذاشت. این نظریه برای جلب اعتماد مشتری، عرضه کالا به بازار را منوط به شرایط و رعایت استانداردهای لازم برای تولید کرده است و برای تحقق آن برخلاف مسئولیت محض نیاز به رابطه حقوقی نبوده و تولیدکننده قبل از اینکه وارد رابطه شود، باید وظایفی را انجام دهد و در صورت عدول از این وظایف، مسئولیت برای او محقق می‌شود.^۱ یکی از کارآمدترین روش‌های پیشنهادی برای اجتناب از نقض حقوق مصرف‌کننده، بیمه کردن ریسک ناشی از عیب و بار کردن هزینه آن بر کالاها و بالاخص کالاهایی است که مصرف‌کنندگان خاص ثروتمند دارد. اگر بیمه وجود نداشته باشد، دادگاه‌ها در محکوم کردن مسئولانی که هیچ تقصیری مرتکب نشده‌اند، تردید خواهند کرد.^۲ نظریه اخیر و مسئولیت محض این انگیزه را برای عرضه‌کننده ایجاد می‌کند تا خود را تحت پوشش بیمه قرار دهد و با افزودن حق بیمه به قیمت کالا یا خدمت، زمینه‌های توزیع ضرر در جامعه و افزایش رفاه اجتماعی را فراهم می‌آورد. عدالت اجتماعی اقتضا می‌کند که ثروتمندان به همان میزان که کسب سرمایه می‌کنند، پذیرای زیان‌های ناشی از عمل خود نیز باشند، هرچند که هیچ تقصیری نکرده باشند.^۳ هزینه‌های ناشی از عیب تولید را می‌توان در قالب قیمت کالاها و خدمات بین مصرف‌کنندگان توزیع کرد.^۴

۱. باریکلو، علیرضا، «مبنای مسئولیت مدنی مبتنی بر تولید»، مجله حقوق خصوصی، دوره ۱۵، شماره ۱، (۱۳۹۷)، ص ۴۱.

۲. ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه: مجید ادیب، تهران: نشر میزان، (۱۳۸۵)، ص ۳۹.

۳. جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، تهران: نشر دادگستر، (۱۳۷۵)، ص ۹۰.

4. Calabresi, Guido, "Some Thoughts on Risk Distribution and Law of Torts", *The Yale Law Journal*, vol. 70, (1961), p 43.

در نقض قواعد رقابتی در نظام‌های حقوقی متعدد نیز نظریه تقصیر اعمال می‌گردد. در برخی نظام‌های حقوقی مانند نظام حقوقی آمریکا همچنان تقصیر به‌عنوان مبنای مسئولیت در نظر گرفته می‌شود تا رقابت در بازار با دعوی واهی خدشه‌دار نشود. در این نظام حقوقی به‌عنوان مبنای سنتی مسئولیت مدنی رقابتی، زیان‌دیده باید اثبات نماید که عمل بنگاه اقتصادی باعث بروز خسارت شده است. پدید آمدن زیان به دنبال تقصیر، برای احراز رابطه سببیت کافی نیست، بلکه باید ثابت شود که تقصیر علت فاعلی و پدیدآورنده زیان بوده و بدون آن خسارت به بار نمی‌آمده است. در اغلب نظام‌های متمدنی حقوقی به جهت معضلات ناشی از پذیرش نظریه تقصیر برای جبران خسارت زیان‌دیدگان از نقض قواعد رقابتی، مسئولیت محض کارگشا بوده است. در حقوق اتحادیه اروپایی^۱ با این فرض قابل انکار که «تخلفات کارتل موجب خسارت است»؛ مسئولیت محض به‌عنوان نتیجه مسئولیت بدون تقصیر را به‌عنوان مبنای پذیرفته است. در نظام حقوقی ایران به جهت ابهام در ماده ۶۶ ق.ا.س.ک.ا. ۴۴ قانون اساسی و تبصره آن، مسئولیت مدنی ناشی از نقض حقوق رقابت که اصولاً ناشی از خطای عمدی شخص یا اشخاص مربوطه است، می‌تواند حسب مورد مبتنی بر تقصیر و یا اتلاف حق باشد و در برخی فروض ممکن است به دلیل اهداف و مصالح کلان‌تر، بر فرد فاقد سوءنیت نیز این مسئولیت تحمیل گردد؛ بنابراین باید در هر مورد با توجه به رویه ضد رقابتی ارتكابی، اتخاذ تصمیم شود.

۱. نظریات پیامدگرا (جدید) در حقوق بازار

در نگرش تحلیل اقتصادی حقوق، جنبه داخلی و هنجاری حقوق که اساس نظریه‌های مرسوم حقوقی را تشکیل می‌دهد، نادیده گرفته می‌شود و درستی و اخلاقی بودن تمام قواعد و نهادهای حقوقی بر مبنای توانایی آن‌ها در افزایش ثروت جامعه سنجیده می‌شود و حتی مفهوم عدالت نیز با مفاهیم مرسوم فرق می‌کند و عملی عادلانه محسوب می‌شود که بهره‌وری اقتصادی داشته باشد.^۲

در دعاوی مسئولیت مدنی به‌طور سنتی این‌گونه بحث شده است که برای پرداخت خسارت، اثبات رابطه سببیت میان عمل فرد و ضرر وارد شده نیاز است و این رابطه، یک

۱. بند ۴۷ قسمت ابتدایی دستورالعمل EU/۱۰۴/۲۰۱۴

۲. بادینی، حسن، «نگرش اقتصادی به حقوق»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۲، (۱۳۸۲): ص ۹۱.

رابطه یک‌سویه و یک‌جانبه است. به نظر کاوز در خصوص مسئله هزینه خارجی این موضوع متفاوت بوده و این رابطه یک رابطه دوجانبه خواهد بود. چنانچه «الف» به «ب» خسارتی وارد سازد، معمولاً این سؤال مطرح می‌شود که چگونه «ب» می‌تواند علیه «الف» طرح دعوی خسارت نماید؛ اما اساساً این نحوه طرح اشتباه است؛ چراکه این یک مسئله متقابل است: جلوگیری از ضرر خوردن به «ب» خود مرادف ضرر رساندن به «الف» است. مسئله‌ای که باید مورد تصمیم‌گیری واقع شود این است که آیا باید اجازه بدهیم که «الف» به «ب» یا «ب» به «الف» ضرر وارد کند.^۱

آنچه در نگاه اقتصادی به مبانی مسئولیت مدنی اهمیت دارد، عنصر کارایی است. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های اقتصاددانان و یکی از موضوعات اساسی علم اقتصاد، مسئله کارایی است.^۲ کارایی عبارت است از استفاده بهینه از منابع تولیدی (نیروی کار، سرمایه، تجهیزات و تسهیلات، انرژی، مواد) و مدیریت علمی، کاهش هزینه‌های تولید، از بین بردن ضایعات، گسترش بازارها و غیره، جهت بهبود سطح کیفیت زندگی و توسعه اقتصادی است که به‌طور کلی از نسبت تولید کالا و خدمات یا مجموعه‌ای از کالاها و خدمات به یک یا چند عامل مؤثر در تولید آن کالا و خدمات به دست می‌آید. آنچه از کارایی در اقتصاد مدنظر داریم، موقعیتی است که در آن منابع به‌صورت بهینه اختصاص یافته باشد و موقعیتی را در اقتصاد می‌توان بهینه نامید که سطح هیچ کدام از فعالیت‌های اقتصادی را نتوان افزایش داد، مگر با کاهش سطح فعالیت‌های دیگر.^۳

مسئولیت مدنی به شیوه‌های گوناگون می‌تواند کارایی اقتصادی را محقق سازد: از طریق وادار کردن انجام‌دهندگان فعالیت زیان‌بار به اینکه هزینه‌های خارجی این فعالیت‌ها را جزء هزینه‌های نهایی خصوصی فعالیت خود احتساب کنند، ایجاد انگیزه برای افراد جهت در پیش گرفتن آن دسته از اقدامات احتیاطی که از نظر هزینه قابل توجیه است و کاهش آثار اجتماعی ضرر از طریق توزیع آن در بین تمام اعضای جامعه یا بخشی از آن

1. Coase, Ronald. H, "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*, vol. 3, (1960), p. 24-25.

۲. دادگر، یدالله، «مروری بر تحولات مقوله کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)»، حقوق و سیاست، دوره ۹، شماره ۲۳، (۱۳۸۶): ص ۱۳۱.

۳. عبادی، جعفر، مباحثی در اقتصاد خرد، (تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، (۱۳۷۹): ص ۲۳۹.

از راه‌های گوناگون^۱ بنابراین در صورتی ضمانت‌اجراها مطلوب خواهد بود که بتوانند عنصر کارایی را در خود داشته و بدون توجه به رابطه زیان‌دیده-زیان‌زننده، به این نتیجه برسد که آیا جبران خسارت زیان‌دیده مطلوبیت دارد یا حفظ نفع تولیدکننده (زیان‌زننده). اندیشمندان حقوق اقتصادی نظریات سنتی را برای تحلیل مبنای مناسب مسئولیت مدنی، کارا قلمداد نکرده‌اند و با غور در مباحث اقتصادی مسئولیت مدنی دو مبنای بازدارندگی و عدالت توزیعی را برگزیده‌اند. آنچه از نظرگاه تحلیل اقتصادی دارای اهمیت است، برداشتن نگاه سنتی از پیکره قواعد مسئولیت مدنی است. این تفکر که مبنای مسئولیت مدنی، تقصیر و غیر آن است، تحلیل گران اقتصادی حقوق را به این گزاره رهنمون نموده است که نگاهی فرادست به قواعد مسئولیت مدنی داشته و به قاعده‌گذار این قدرت را بدهند که مبتنی بر مبنای پیامدگرا به قاعده‌گذاری در حوزه قواعد مسئولیت مدنی پردازد و با رویکردی مبتنی بر کارایی اقتصادی، به جای تعیین مقصر و یا بار کردن مسئولیت بر شانه یک طرف رابطه، با انگیزه افزایش رفاه اجتماعی، به سراغ مبنای نوین رود. به این نکته باید واقف بود که این مبنای عموماً در برخی حوزه‌های حقوقی از جمله مسئولیت ناشی از تولید، نقض قواعد رقابتی، خسارات ناشی از حوادث رانندگی، کاربرد بیشتری داشته و در همه حوزه‌های مسئولیت مدنی بحث نشده‌اند.

۱-۲. بازدارندگی

در نظریه مبتنی بر بازدارندگی، هدف مسئولیت مدنی این است که افراد را وادار نماید با پرهیز از انجام فعالیت زیان‌بار و یا کم کردن سطح فعالیت و افزایش میزان مراقبت و احتیاط، در زمان انجام فعالیت خاص، با وارد کردن هزینه حوادث در قیمت فعالیت‌ها، این هزینه‌ها را کاهش دهد. در این نظریه، مسئولیت باید بر کسی تحمیل شود که می‌تواند با فعالیت و احتیاط خود، مانع بروز خسارت شود یا میزان ضرر وارده را تقلیل دهد و در انتساب خسارت وارده به بنگاه خاطی، تقصیر مورد توجه نیست.

از نظر معتقدان به کارایی اقتصادی با رویکرد افزایش ثروت، مفاهیم کارایی اقتصادی و عدالت اصلاحی از هم جدا است. اگر هدف نظام قضایی، افزایش ثروت باشد، این هدف

۱. بادینی، حسن، پیشین، ص ۳۹۶.

فرا تر از مرحله وضع قواعد مسئولیت مدنی خواهد بود.^۱ تحلیل گران حقوق اقتصادی، حقوق مسئولیت مدنی را ابزاری بازدارنده می دانند که مرتکبان بالقوه و مرتکبان بالفعل را از مشارکت در عمل زیان بار بازمی دارد؛ بنابراین اگر پیگیری کامل وجود داشته و هزینه اجتماعی اعمال تنبیه صفر (۰) باشد، هزینه ضمانت اجرای قانونی بهینه^۲ برابر با خسارت اجتماعی خالص پس از تخلف، در مقایسه با شرایط قبل از تخلف خواهد بود.^۳ جبران خسارت پیشنهادی باید برابر با خسارت خالص نه تنها به فرد، بلکه به مرتکب باشد.^۴ تنبیه باید به حدی برسد که ارزش مورد انتظار تخلف، برابر با صفر باشد. با اعمال این هزینه، از تخلف جلوگیری می شود. هم زمان اگر هدف بازدارندگی کافی برای عدم ارتکاب تخلف در آینده داشته باشد، ارزش مورد انتظار تخلف، منفی خواهد بود (مدل بازدارندگی خالص). در واقع مرزهای بین کارایی و عدالت اصلاحی (جبران خسارت) در صورتی محو می شوند که رفاه زیان دیدگان، نسبت به متخلفان ارزش بیشتری داشته باشد.^۵ بازدارندگی، هدف عدالت اصلاحی نیز می تواند محسوب شود؛^۶ بنابراین می توان بین شکل های مختلف بازدارندگی تفکیک قائل شد: بازدارندگی به عنوان افزایش ثروت و بازدارندگی به عنوان شرط اخلاقی عملکرد مؤثر عدالت اصلاحی (شکلی از کارایی مستقل از افزایش ثروت). اطمینان از اینکه مردم مطابق با هنجار اخلاقی خاصی از عدالت اصلاحی رفتار می کنند و اصلاح تخلفاتی که مرتکب آن شده اند، کافی است. این اصل حقوقی به صورت نظام مند برای بازدارندگی از ارتکاب تخلفاتی که هنوز ارتکاب نیافته است، مؤثر خواهد بود.^۷

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

1. Shaw Bill & William Martin, "Aristotle and Posner on Corrective Justice: The Tortoise and the Hare", *Business Ethics Quarterly*, 9 (4), (1999), p. 651.

2. Optimal sanction

3. Gary S. Becker, "Crime and Punishment: An Economic Approach", 76 *J. POL. ECON.* 169, (1968).p 169.

4. William M. Landes, "Optimal Sanctions for Antitrust Violations", 50 *U. Chi. L. Rev.*, (1983), p 652, 656

5. Wouter P. J. Wils, "Optimal Antitrust Fines: Theory and Practice", 29 *World Competition*, (2006), p. 183.

۶. رویکردی که در ادبیات حقوقی داخلی بر آن تأکید می شود در حالی که این وجهی از بازدارندگی است.

7. Gardner John, *What is Tort Law For?* Part 1. The Place of Corrective Justice, 30 *L. & Phil.* 1, (2011),p:30

سابقاً در مسئولیت ناشی از عیب تولید، هر کسی که کالای خطرناکی تولید می‌کرد، مسئول بود، در حالی که با نگاه اقتصادی به حقوق، بازدارندگی اهمیت یافته است. در این نوع خاص از مسئولیت، بازدارندگی به دو شکل خود را نشان می‌دهد: الف) تأثیر مستقیم بازدارندگی؛ تولیدکننده‌ای که کالای معیوب تولید کند، باید جبران خسارت نماید؛ بنابراین از تولید چنین کالایی اجتناب خواهد کرد و احتیاط لازم را پیش خواهد گرفت. بر این اساس، هر جایی که حمایت از حقوق مصرف‌کننده ایجاب نماید، تولیدکننده مسئول جبران خسارت ناشی از تولید کالای معیوب خواهد بود و نتیجتاً باید امنیت محصول خود را افزایش دهد. ب) تأثیر اقتصادی غیرمستقیم؛ بر مبنای تحلیل اقتصادی حقوق مسئولیت مدنی، زمانی زیان‌زننده ریسک حادثه را می‌پذیرد که هزینه‌های پرداخت غرامت کمتر از هزینه‌های امنیت کالا باشد. اگر بخواهیم با اعمال قواعد مسئولیت مدنی به کارایی برسیم، زیان‌زننده زمانی باید برای زیان‌دیده جبران خسارت کند که هزینه‌های اجتناب از بروز خسارت، برای او کمتر از زیان‌دیده بوده باشد. بر این اساس، هزینه را کسی باید پرداخت نماید که با فعالیت خود باعث به وجود آمدن آن هزینه‌ها شده است. آنچه به وضوح مشخص است، گذاشتن بار مسئولیت بر شانه کسی است که هزینه‌ها را به وجود آورده است و نه حادثه را. در مسئولیت ناشی از تولید، ممکن است در مواردی خود مصرف‌کننده، موجب حادثه بوده باشد و با اعمال قواعد سنتی مسئولیت مدنی، نتوان حمایت شایسته‌ای نمود. با در نظر گرفتن این تحلیل از قواعد مسئولیت مدنی، در اغلب موارد بروز حادثه ناشی از تولید، تولیدکننده، باعث به وجود آمدن هزینه‌ها شده است و بنابراین بیشترین تلاش را برای امنیت کالای خود به کار خواهد بست تا از پرداخت هزینه‌های رهایی یابد. با در نظر گرفتن بازدارندگی به عنوان مبنای مسئولیت ناشی از تولید، هر فردی که باید احتیاط لازم را برای جلوگیری از حادثه می‌کرد و این هزینه از هزینه بروز حادثه کمتر بوده و این احتیاط را انجام نداده است، مسئول بوده و باید هزینه‌های حادثه را پردازد.

مهم‌ترین فایده‌ای که می‌توان برای این نظریه در نظر گرفت این است که می‌توان از طریق آن، امنیت محصولات را با بازداشتن تولیدکنندگان از تولید کالای خطرناک بالا برد. جان کلام در نظریه بازدارندگی این است که حقوق مصرف‌کننده صرفاً با بازداشتن تولیدکنندگان از تولید کالای معیوب است که مورد حمایت واقع می‌شود.

باید تولیدکنندگان را از تولید کالای ناسالم بازداشت، نه اینکه بعد از بروز خسارت برای عدم نیاز به اثبات تقصیر یا غیر آن، به سراغ حق مصرف کننده رفت. باید برای حمایت از حقوق مصرف کننده مبنای پیشگیرانه در نظر داشت و قبل از تولید کالا، با قاعده گذاری سنجیده از آن اجتناب کرد.^۱

۲-۲. عدالت توزیعی

از دیرباز اندیشمندان درباره‌ی توزیع عادلانه ثروت سخن گفته‌اند. ارسطو عدالت را به معاوضی^۲ و توزیعی^۳ تقسیم می‌کند. از نظر مفهوم، در الگوی عدالت توزیعی تمام ضررها صرف نظر از منشأ آن باید بین اعضای جامعه توزیع شود؛ هدف تنها افزایش رفاه زیان دیدگان و آسیب دیدگان و جامعه به طور کلی است نه چیز دیگر.

در این قسم از عدالت، تناسب استحقاقی افراد در نظر گرفته می‌شود و بی‌عدالتی در دارایی هنگامی رخ می‌دهد که فرد از معیاری تخطی نموده تا بیشتر از سهم خود را دارا شود. در این حالت، هرگاه کسی بیشتر از سهم خود را داشته باشد، خواه به اشتباه یا به عمد، دیگران این حق را خواهند داشت تا به استناد عدالت توزیعی، آن را مطالبه کنند.

عده‌ای از مدافعان وجود مسئولیت مدنی معتقدند قواعد ضمان قهری به طرق مختلف می‌تواند ملاحظات مربوط به عدالت توزیعی را برآورده سازد. از جمله‌ی این راه‌ها: بیمه مسئولیت مدنی، تحمیل مسئولیت تضامنی و مشترک به گروه‌های خاصی از افراد، افزایش مسئولیت‌های نیابتی و اختصاص ضرر به ثروتمندان و نیز تعدیل اثر مسئولیت مدنی بر مبنای انصاف و با توجه به شرایط خاص زیان دیده، واردکننده زیان و اشخاص ثالث است.^۴

در عدالت معاوضی (اصلاحی) تنها جبران خسارت زیان دیده مدنظر است و رکن پایدار تحمیل مسئولیت، تقصیر است، درحالی که در پذیرش عدالت توزیعی به عنوان مبنای رفاه اجتماعی مدنظر بوده و تحمیل مسئولیت بدون در نظر گرفتن تقصیر، محقق می‌شود.^۵

1. Trover, Johnathon, *Questioning the social desirability of product liability claims*, thesis for degree of doctor of philosophy in legal practice, university of Exeter, (2015), p: 37 and 62

2. Corrective Justice

3. Distributive Justice

۴. برای اطلاع بیشتر رک. حسن بادینی، فلسفه مسئولیت مدنی، تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۸۴).

5. Klimchuk Dennis, "On the Autonomy of Corrective Justice", 23 OXFORD J. LEGAL STUD, (2003). P 49.

در تحلیل‌های سنتی مسئولیت مدنی، تمرکز اصلی بر نتیجه اقتصادی و اجتماعی اعمال قواعد نیست و هدف آن است که عادلانه‌ترین و منصفانه‌ترین راه جبران خسارت پیدا شده و عدالت معاوضی (اصلاحی) را نسبت به آنچه در گذشته رخ داده محقق شود، درحالی که عدالت توزیعی به اثر قواعد مسئولیت مدنی و نتیجه‌ی اعمال آن بر رفاه اجتماعی متمرکز است.^۱

استیون پری که از نظریه‌پردازان دیدگاه وابستگی بینابین است معتقد است عدالت اصلاحی یک اصل اخلاقی کلی است که نه به دلیل حفظ توزیع عادلانه، بلکه صرفاً برای جبران خسارت مورد توجه است. طبق این دیدگاه، قواعد عدالت توزیعی در شرایط لحظه‌ای و نه بلندمدت، بی‌کفایت است. به این دلیل است که نظریه‌های عدالت توزیعی «باعث افزایش بی‌تکلیفی» می‌شوند؛ چراکه به مرور زمان و بر اساس الگوهای انتزاعی و بلندمدت اجرا می‌شوند. در مقابل، عدالت اصلاحی وظیفه خود را جبران خسارت می‌داند و در شرایط خاص این وظیفه را انجام می‌دهد و مستقل از عدالت توزیعی است.^۲

با اختلاف نظر در برتری این دو مفهوم بر یکدیگر، رابطه میان این دو بر حسب اولویت هنجاری است و در حوزه‌های مختلف قاعده‌گذاری متفاوت است. دیدگاه مطلوب در خسارات ناشی از نقض حقوق رقابت بیانگر این است که عدالت توزیعی از لحاظ هنجاری مقدم بر عدالت اصلاحی است. نتیجه اینکه عدالت اصلاحی نقش ابزاری برای عدالت توزیعی خواهد داشت و ویژگی هنجاری آن کاملاً برگرفته از عدالت توزیعی است؛ بنابراین وظیفه جبران، منحصرأ به عدالت توزیعی واگذار می‌شود. اگر عدالت توزیعی و عدالت اصلاحی دارای محدوده مشترک و همانند باشند، می‌توان عدالت اصلاحی را به این دلیل که عدالت توزیعی از لحاظ منطقی مقدم است، رد کرد.^۳ علت اساسی پذیرش این نظریه آن است که در قواعد رقابتی و ضمانت اجرای مد نظر آن، آنچه در نگاه کلان حائز اهمیت است، حفظ رقابت در بازار است و جبران خسارت زیان‌دیده، راهی برای

۱. صفایی، سید حسین؛ حبیب‌الله، رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، تهران: انتشارات سمت، (۱۳۸۹)، ص ۷۷.

2. Lianos, Ioannis, "Competition Law Remedies; In Search of a Theory", CLES Working Paper Series, Faculty of Law, UCI, p. 11-17 (pre-edited version of a chapter at Ioannis, (2011)).
3. Walt Steven, "Eliminating Corrective Justice", 92 VA. L. REV, (2006). p.1311.

حفظ رقابت در بازار و افزایش رفاه اجتماعی است. قواعد رقابتی به عنوان یکی از اهداف اساسی خود عموماً حفظ رفاه جامعه را در اولویت قرار می دهند و عدالت توزیعی می تواند مهم ترین مبنای این قواعد باشد.

نتیجه

سنجش قواعد حقوقی با ابزارهای اقتصادی، از مهم ترین رویکردهای حقوقی در عهد معاصر است. شناختن مبنای هر نوع مسئولیتی در اعمال صحیح قواعد آن نوع از مسئولیت لازم است؛ بنیادی ترین موضوع در مسئولیت مدنی، مبنای آن است. این سنجش در قواعد مسئولیت مدنی از سایر حوزه ها پیشی گرفته است. برخی از تحلیل گران اقتصادی حقوق، مبانی سنتی را برای تحلیل بسیاری از حوزه های قواعد نوین از جمله حقوق بازار کارا ندانسته و مبنای پیامدگرا - بازدارندگی و عدالت توزیعی - را مطرح نموده اند. در تحلیل اقتصادی نظریات مرسوم، حوادث به یک جانبه و دو جانبه تفکیک می شوند و ریسک پذیری یا ریسک گریزی زیان زننده و زیان دیده در انتخاب مبنای مطلوب، مؤثر است. در حوادث یک جانبه، اعمال قاعده تقصیر و مسئولیت محض، در میزان احتیاط عامل زیان و میزان ضرر انتظاری، بهینه است. در فرض ریسک گریزی طرفین حادثه (زیان زننده و زیان دیده) اگر دادگاه ها سطح احتیاط مقتضی را برابر با سطح مطلوب اجتماعی تعیین نماید، قاعده تقصیر و نیز قاعده مسئولیت محض با دفاع مشارکت در تقصیر، به نتیجه مطلوب اجتماعی و تحقق اهداف مسئولیت مدنی می انجامد. در صورت ریسک گریزی زیان دیده و زیان زننده در حوادث یک جانبه و دو جانبه، مهم ترین مسئله مطروحه، نظام بیمه و مسئولیت است که با وجود نظام بیمه و مسئولیت و عدم آن، رویکرد نظام حقوقی نسبت به مبنای سنتی متفاوت است و مسئول حادثه با این نگاه تعیین می گردد. در حمایت از حقوق مصرف کننده که مهم ترین موضوع مطروحه در آن، مسئولیت ناشی از عیب تولید است، در ابتدا نظریات «آگاه باش خریدار» و نظریه تقصیر، مورد پذیرش بوده است، اما به جهت ابهام در مفهوم، ویژگی رفتاری بودن نظریه تقصیر و مشکلات اثباتی به جهت فقدان ابزارها و امکانات لازم و پیچیده و تخصصی بودن فرایند تولید کالاها، این نظریه نتوانست مبنایی برای شناسایی مسئولیت تولید کننده در مقابل مصرف کننده کالا محسوب شود؛ بنابراین نظریه مسئولیت محض مطرح گردید. برخی نظام های حقوقی از جمله نظام حقوقی اتحادیه اروپایی به این مبنا پایبند هستند.

در سال‌های اخیر نظریه امنیت بازاری پا به عرصه وجود گذاشته است و برای تحقق آن برخلاف مسئولیت محض نیاز به رابطه حقوقی نبوده و تولیدکننده قبل از اینکه وارد رابطه شود و در صورت عدول از این وظایف، مسئولیت برای او محقق می‌شود. قاعده‌گذاران در مبنای مورد پذیرش مسئولیت مدنی ناشی از نقض قواعد رقابتی، نیز به سمت مسئولیت محض گرایش پیدا کرده‌اند. تحلیل‌گران اقتصادی حقوق نگاهی فرادست به قواعد مسئولیت مدنی داشته و به قاعده‌گذار این قدرت را می‌دهند که با رویکردی مبتنی بر کارایی اقتصادی، به جای تعیین مقصر و یا بار کردن مسئولیت بر شانه یک طرف رابطه، با انگیزه افزایش احتیاط کارا و رفاه اجتماعی، به سراغ مبنای نوین رود. این مبنای در قواعد بازار کارکرد داشته و اساساً برای تحلیل صحیح این قواعد مطرح گردیده‌اند. نظریات جدید به جهت عدم کارایی مبنای سنتی در قواعد بازار مطرح گردیده‌اند.

در نظریه مبتنی بر بازدارندگی، مسئولیت باید بر کسی تحمیل شود که می‌تواند با فعالیت و احتیاط خود، مانع بروز خسارت شود یا میزان ضرر وارده را تقلیل دهد و در انتساب خسارت وارده، تقصیر یا عدم آن مانند آنچه در نظام عام قواعد مسئولیت مدنی مدنظر است، مورد توجه نیست. در حالی که در عدالت معاوضی (اصلاحی) تنها جبران خسارت زیان‌دیده مدنظر است و رکن پایدار تحمیل مسئولیت، تقصیر است. در پذیرش عدالت توزیعی به عنوان مبنای رفاه اجتماعی مدنظر بوده و تحمیل مسئولیت بدون در نظر گرفتن تقصیر، محقق می‌شود. در این قسم از عدالت، تناسب استحقاقی افراد در نظر گرفته می‌شود و بی‌عدالتی در دارایی هنگامی رخ می‌دهد که فرد از معیاری تخطی نموده تا بیشتر از سهم خود را دارا شود. در حمایت از حقوق مصرف‌کننده، مبنای بازدارندگی اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه باید در حمایت از حقوق مصرف‌کننده نگاه پیشگیرانه‌ای داشت و با قاعده‌گذاری سنجیده سد راه تولید کالای ناسالم شد، نه پس از ورود ضرر به سراغ حق مصرف‌کننده در اثبات یا عدم اثبات تقصیر رفت. در قواعد رقابتی، عدالت توزیعی مورد توجه قرار گرفته است.

منابع

- امامی، میرحسین، حقوق مدنی، (تهران: اسلامیه، جلد ۲، ۱۳۷۴).
- بادینی، حسن و دیگران، «مسئولیت محض، مبنای و مصادیق»، تهران: مجله مطالعات حقوق تطبیقی، دانشگاه تهران، دوره ۳، شماره ۱ (۱۳۹۱).

- بادینی، حسن، فلسفه مسئولیت مدنی، (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۴).
- بادینی، حسن، «نگرش اقتصادی به حقوق»، تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۲، (۱۳۸۲).
- بادینی، حسن، «نگرشی انتقادی به معیار انسان معقول برای تشخیص تقصیر در مسئولیت مدنی»، تهران: فصلنامه حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱، (۱۳۸۹).
- بادینی حسن و دیگران، «قلمرو اقتصادی قاعده تقصیر و بررسی کارایی آن در حقوق ایران»، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۲۶، شماره ۱ (۱۳۹۵).
- باریکلو، علیرضا، «مبنای مسئولیت مدنی مبتنی بر تولید»، تهران: مجله حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، دوره ۱۵، شماره ۱، (۱۳۹۷).
- جابری، عصمت الله، حقوق مصرف کننده، (اصفهان: نشر دادیار، ۱۳۸۶).
- جعفری تبار، حسن، مسئولیت مدنی سازندگان و فروشندگان کالا، (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۵).
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوقی، (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶).
- حسینی نژاد، حسینقلی، مسئولیت مدنی، (تهران: انتشارات مجد، ۱۳۸۷).
- خودکار، رضا و همکاران، «تحلیل اقتصادی مبنای مسئولیت مدنی در حوادث دوجانبه»، اهواز: فصلنامه دانش و پژوهش حقوقی، دانشگاه شهید چمران، مقاله ۴، دوره ۱، شماره ۲، (۱۳۹۱).
- دادگر یدالله، «مروری بر تحولات مقوله کارایی در ادبیات اقتصادی (نظریه‌ها و کاربردها)»، تهران: حقوق و سیاست، دانشگاه علامه طباطبائی، دوره ۹، شماره ۲۳، (۱۳۸۶).
- دادگر، یدالله و همکاران، «تحلیل اقتصادی قاعده مسئولیت محض و بررسی کارایی آن در نظام حقوقی ایران»، تهران: فصلنامه تحقیقات حقوقی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۷۸، (۱۳۹۴).
- ژوردن، پاتریس، اصول مسئولیت مدنی، ترجمه: مجید ادیب، (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۵).
- شهابی، مهدی و همکاران، «تحلیل اقتصادی حقوق و احیاء اندیشه تقصیر در جبران خسارت با تأکید بر رویه قضایی آمریکا»، مشهد: دوفصلنامه دانش حقوق اقتصادی، دانشگاه فردوسی، شماره ۴، (۱۳۹۱).
- صفایی، سید حسین و حبیب‌الله رحیمی، مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)، (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹).
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی: الزامات خارج از قرارداد (ضمان قهری)، (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ ۴، ۱۳۸۴).
- کاتوزیان، ناصر، «حمایت از زیان دیده و مسئولیت تولیدکننده در حقوق فرانسه»، تهران: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، شماره ۶۸ (تابستان ۸۴).

- طهماسبی، علی، «اثر تقصیر و مسئولیت محض در ترغیب عامل زیان و زیان‌دیده به رعایت احتیاط»، تهران: مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۵، شماره ۷۴ (۱۳۹۰).
- عبادی جعفر، مباحثی در اقتصاد خرد، (تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۹).
- غفاری فارسانی، بهنام، حقوق رقابت و ضمانت‌اجراهای مدنی آن، (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۳).

References

- Ackerman Bruce A., *Private Property and the Constitution*, (Yale University Press, 1977).
- Badini, Hassan, *Philosophy of Civil Liability*, (Tehran: Anteshar Co., 2005).
- Badini, Hassan, "Economic Attitude to Law", Tehran: Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, No. 62, (2003).
- Badini, Hassan, "A Critical Approach to the Criteria of the Reasonable Man for Recognizing Fault in Civil Liability", Tehran: Law Quarterly, Faculty of Law and Political Science, Volume 40, Number 1, (2010).
- Badini Hassan et al., "The Economic Realm of the Rule of Fault and Its Efficiency in Iranian Law", *Quarterly Journal of Private Law Studies*, Volume 26, Number 1 (2016).
- Badini, Hassan et al., "Pure Liability, Principles and Examples", Tehran: *Journal of Comparative Law Studies*, University of Tehran, Volume 3, Number 1 (2012).
- Beever, Allan, *Rediscovery the Law of Negligence*, 1th edition, (USA: Hart Publishing, 2007)
- Calabresi, Guido, "Some Thoughts on Risk Distribution and Law of Torts", *The Yale Law Journal*, vol. 70 (1961)
- Coase, Ronald. H, "The Problem of Social Cost", *Journal of Law and Economics*, vol. 3 (1960).
- Coleman, Jules L., *The economic analysis of Law*, In J. Roland Pennock & John William Chapter (eds.), *Ethics, Economics, and the Law*. New York University Press. (1982)
- Dadgar Yadollah, "A Review of Developments in Efficiency in Economic Literature (Theories and Applications)", Tehran: *Law and Politics*, Allameh Tabatabai University, Volume 9, Number 23, (2007).
- Dadgar, Yadollah et al., "Economic Analysis of the Rule of Pure Liability and Its Efficiency in the Iranian Legal System", Tehran: *Legal Research Quarterly*, Shahid Beheshti University, No. 78, (2015).
- Emami, Mir Hassan, *Civil Law*, (Tehran: Islamieh, Volume 2, 1374).

- Ebadi Jafar, *Discussions in Microeconomics*, (Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books (Position), 2000).
- Gardner John, *What is Tort Law For?*, Part 1. The Place of Corrective Justice, 30 L. & Phil. 1, (2011)
- Gary S. Becker, "Crime and Punishment: An Economic Approach", 76 J. POL. ECON. 169, (1968).
- Ghaffari Farsani, Behnam, *Competition Law and Guarantee of Civil Performances*, (Tehran: Mizan Publishing, 2014)
- Hosseinejad, Hosseinghli, *Civil Liability*, (Tehran: Majd Publications, 2008).
- Jaberi, Esmatullah, *Consumer Rights*, (Isfahan: Dadiar Publishing, 2007).
- Jafari Tabar, Hassan, *Civil Liability of Manufacturers and Sellers of Goods*, (Tehran: Dadgostar Publishing, 1996).
- Jafari Langroudi, Mohammad Jafar, *Legal Terminology*, (Tehran: Ganj-e-Danesh, 1997).
- Jordan, Patrice, *Principles of Civil Liability*, translated by Majid Adib, (Tehran: Mizan Publishing, 2006).
- Katozian, Nasser, *Civil Law: Non-Contractual Requirements (Coercive Guarantee)*, (Tehran: University of tehran, 4th edition).
- Katozian, Nasser, "Loss Support and Producer Liability in French Law", Tehran: Journal of the Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, No. 68 (Summer 84).
- Keating, Gregory C, "Reasonableness and rationality in negligence theory", *Stanford Law Review*, 48, (1995-1996).
- Khodkar, Reza et al., "Economic Analysis of the Principles of Civil Liability in Bilateral Incidents", Ahvaz: Quarterly Journal of Legal Knowledge and Research, Shahid Chamran University, Article 4, Volume 1, Number 2, (2012).
- Klimchuk Dennis, "On the Autonomy of Corrective Justice", 23 OXFORD J. LEGAL STUD, (2003).
- Komninos, A.P, (2008) *EC private antitrust enforcement*, Hart Publishing, Oxford/Portland
- Lianos and Daniel D. Sokol, *The Limits of Competition Law*, (Stanford University Press, , 2012).
- Lianos, Ioannis, "Competition Law Remedies; In Search of a Theory", CLES Working Paper Series, Faculty of Law, UCI, p: 11-17 (pre-edited version of a chapter at Ioannis, (2011).
- Safaei, Seyed Hossein and Habibaullah Rahimi, *Civil Liability (Non-Contractual Requirements)*, (Tehran: Samat Publications, 2010)

- Shavell, Steven M. "On Liability and Insurance", 13 Bell Journal of Economics, (1982).
 - Shavell, Steven, *Economic Analysis of Accident Law*, (NBER Working Paper No. 9694, Cambridge MA 02138, Available at: <http://www.nber.org/papers/w9694>, Chapter 5, 2003)
 - Shavell, Steven M, "Liability for Accidents" in Handbook of Law and Economics, (Mitchell Polinsky & Steven Shavell eds., Elsevier.) Harvard Law and Economics Discussion Paper No. 530, (2007).
 - Shahabi, Mehdi et al., "Economic analysis of law and revival of the idea of fault in compensation with emphasis on American jurisprudence", Mashhad: Bi-Quarterly Journal of Economic Law, Ferdowsi University, No. 4, (2012).
 - Starck, Borise (1972), *Civile Droite, Obligation*
 - Shaw Bill & William Martin, "Aristotle and Posner on Corrective Justice: The Tortoise and the Hare", *Business Ethics Quarterly* 9 (4), (1999).
 - Tahmasebi, Ali, "The effect of pure guilt and liability in persuading the injured party to exercise caution", Tehran: *Legal Journal of Justice*, Volume 75, Number 74 (2011).
 - Trover, Johnathon, *Questioning the social desirability of product liability claims*, thesis for degree of doctor of philosophy in legal practice, university of Exeter, (2015).
 - Walt Steven, "Eliminating Corrective Justice", 92 VA. L. REV, (2006).
 - William M. Landes, "Optimal Sanctions for Antitrust Violations", 50 U. Chi. L. Rev, (1983).
- Wouter P. J. Wils, "Optimal Antitrust Fines: Theory and Practice", 29 *World Competition*, (2006).